

دانلود مقاله مباني اتحاد ملي و انسجام اسلام

جهت مشاهده [دانلود مقاله مباني اتحاد ملي و انسجام اسلام](#) به پايين همين صفحه مراجعه نماييد
تعداد صفحات : 30 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



مباني اتحاد ملي و انسجام اسلام

چکیده:

در اين مقاله سعي شده است ضمن ريشه يابي کليدي واژگان عنوان، موضوع اتحاد و انسجام با توجه به کلام وحی، سنت، عقل و بیانات بزرگان و در رأس آن معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خميني (ره) مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. و از هرگونه برداشت شخصی، جناحي و حزبي و مصادره کردن این عنوان بزرگ جلوگیری شود.

در این مقاله راز اتحاد داخلي و ارائه الگو برای کشورهای مسلمان بیان شده است. دعب نگارنده آن است که حتي الامکان غير مستقيم به این موضوع پردازد که در جاهايي لاجرم با صراحت اصول و مباني نیز بیان شده است.

مقدمه:

اتحاد داخلي و بين المللي یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای هر ملتي است. ملت پويا ملتي است که در جاي خود از تنش و مناقشات بهره مي برد و به موقع از هر گونه اختلاف و تفرقه دوري مي جويد. نه یک دستي، سکوت و رکود دارد و نه اغتشاش و درگیری و جدل. زیرا هر دو مایه افول ملت هاست. افراد، گروه ها، صنوف و... هر کدام برای تعالی درون گروهی خود باید فریاد برآورند و از همه ظرفیتهای قانونی و شرعی برای ترقی و توسعه خود استفاده کنند. اما به هنگام خطر و تهدید امنیت یا منافع ملی از خواسته خود بصورت مقطعی، کوتاه آمده و به فکر دفع افسد باشد.

«تخم وفاق را تو در این بوستان بکار - میخ نفق را تو در این زمین بکن» (ادیب الممالک فراهانی)

اینکه در کجا باید فریاد زد و در کجا سکوت، در کجا باید عاقلانه و بر مبناي استدلال پیش رفت و در کجا به مصلحت توجه کرد و... به شناخت اصول و ظرائفی محتاج است که در این مقال در صدد تبیین آن می باشیم.

امید است خواننده محترم (از هر جناح و فکر و سلیقه ای که باشد) با دقت و تأمل در اصول ذیل الذکر به کلمه تنومند «وحدت» چنگ زده و با ایثار و شهامت، جلوی خود کامگی و فرصت طلبی را بگیرد.

الف: واکاوی مفردات:

واکاوی مفردات عنوان این مقاله که توسط رهبر بزرگوار انقلاب برای سال جاری نام گذاری شده است از بار معنایی برخوردار است و تا ریشه آن بررسی نشود نمی‌توان به عمق آن پی برد.

۱- مبانی:

«جمع مبنی به معنی: ریشه، پایه و بنیان یک چیز است» (۱) که در این مقال به کنه و ریشه این اتحاد و انسجام خواهیم پرداخت.

۲- اتحاد:

«آنچه مرکب از دو چیز یا بیشتر و با نسبت‌های معین باشد. به طوری که چیز سومی از آنها به وجود آید که با اجزای خود تفاوت کامل داشته باشد. مثل آب. که مرکب از اکسیژن و هیدروژن است». (۲)

ریشه این فعل «وحد» است که به باب «افتعال» برده شده است. این باب برای مطاوعه می‌باشد. مطاوعه یعنی قبول کردن آن فعل و ممتنع نشدن. و برای آن در علم «صرف» مثال می‌آورند مثل: «کسرت الکوز فانکسر» یعنی: من کوزه را شکستم و آن هم قبول شکستن کرد.

فعل «وحدت» وقتی در این باب آورده می‌شود به این معنی میشود که: اتحاد مبتنی بر اصولی خواهد بود و هر گاه ضرورت آن احساس شد می‌بایست به آن عمل کرد و نباید خواسته‌های شخصی، سلیقه‌ای، حزبی و گروهی را بر آن مقدم داشت.

۳- ملی:

کلمه «ملت» که جمع آن «ملل» می‌شود به معنی: «پیروان یک دین، مردم یک کشور که از یک نژاد و تابع یک دولت باشند». (۳)

ملت در واقع یک واحد بزرگ انسانی است که عواملی چون: فرهنگ، دین، جغرافیا، نژاد، قومیت و... میتواند عامل پیوند آن باشد.

چنانچه در تعریف ملت نیز گفته‌اند: «ملت یک روان است، یک اصل روحانی. دو چیز، که در واقع یک چیزند،... یکی؛ داشتن میراث مشترک غنی از خاطره‌ها و دیگر، سازش واقعی، میل به زیست با یکدیگر و خواست تکیه کردن کامل به میراث مشترک». (۴)

پس ملت تجمع یک گروهی است که با اهداف خاصی و در چارچوبی تعریف شده علاوه بر حل کردن نیازات ابتدایی خود، در صدد توسعه فرهنگ، اقتصاد و سیاست خود نیز می‌باشند. بنابراین با توجه به تعریفی که در فرهنگ «عمید» آمده است (تابع یک دولت...) می‌رساند که برای رسیدن به اهداف خود باید سازماندهی شده و با برنامه منظم، به حرکت رو به رشد خود ادامه دهند.

۴- انسجام:

انسجام از ماده «سجم» به معنی: «منظم و منسجم شدن کلام» می‌باشد. (۵) و نیز در فرهنگ لغت فارسی به معنی: «روان شدن، منظم شدن و با هم جور شدن، روان بودن کلام و عاری بودن آن از تعقید و تکلف» آمده است. (۶)

۵- اسلامی:

ریشه آن «سَلِمَ یَسْلَمُ» که به معنی: «سالم و بی عیب و آفت» می‌باشد. (۷) که «اسلام» از باب افعال به معنی «تسلیم بی قید و شرط» می‌باشد. (۸) که همزه این باب معنی کثرت می‌دهد. و این همان معنایی است که «المنجد» برای آن گفته است. به عبارتی: تسلیم بی قید و شرط شدن یعنی کثرت سلامت و زدودن آفت. البته این همزه می‌تواند معنی «یافتن» هم داشته باشد. یعنی در اسلام می‌توان سلامتی روح و روان را پیدا کرد تا از آفت‌ها و بلاها در امان بود.

اما «یا» اضافه بر کلمه «اسلام»، «یا» نسبت است. و به معنی هر آنچه که مطابق دین حنیف اسلام است. تعریف عنوان مقاله:

با توجه به همه توضیحاتی که در مفردات این عنوان آمد، این عنوان را میشود چنین معنا کرد: یافتن ریشه‌های وحدت بر پایه توجه به هر آنچه یک ملت و یا ملت‌های مختلف را دور هم جمع می‌آورد و احترام به آن و نظم بخشیدن عقلایی به این علقه‌های اتحاد و ارتباط برای رسیدن به سلامت و زدودن آفت‌های اجتماعی بر پایه براهین بی‌بدیل وحی که نمود آن دین حنیف اسلام متجلی شده است و عدم مخالفت‌های شخصی و سلیقه‌ای با آن.

«مؤمنان معدود، لیک ایمان یکی - جسمشان معدود، لیکن جان یکی
جان حیوانی ندارد اتحاد - تو موجو این اتحاد از روح باد» (مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم)
ب: مبانی اتحاد و انسجام از منظر عقل:

شکی نیست که هر انسان سلیم نفسی بر اتحاد و انسجام هر چه بیشتر تأکید دارد. هر فرد و جامعه‌ای در صدد رشد و توسعه همه جانبه است. می‌خواهد در همه امور اعم از معنویت و مادیت ترقی کند و این ممکن نمی‌شود مگر با ارتباطات سالم و بر اساس منافع ملی.

در واقع همه سعی دارند از دانش، تکنولوژی و داشته‌های دیگران استفاده کنند بدون آنکه متحمل خسارت قابل توجه‌ای بشوند.

روایتی از حضرت امیر(ع) هست که می‌فرماید: «الاسلام هو التسليم، والتسليم هو اليقين، واليقين هو التصديق، والتصديق هو الاقرار، والاقرار هو الاداء، والاداء هو العمل». (۹)

در اینجا مفهوم تسلیم جز یقین نمی‌باشد. و یقین زائیده عقل است نه احساس و عاطفه. پس اتحاد و انسجامی مد نظر است که بر پایه‌های عقلانیت و استدلالات قرآن و دین اسلام استوار باشد. این تسلیم، تسلیم جاهلانه و کورکورانه نیست. و بی‌شک نمی‌توانیم راه‌های اتحاد و انسجام را کورکورانه طی کنیم.

وقتی درک درستی از دین و مؤلفه‌های آن داشتیم و عقل سلیم آنرا تأیید کرد، نتیجه آن یک عمل مناسب خواهد بود که آن عمل مناسب زیر بنای هر گونه ارتباط و رشد و تعالی است.

در واقع اهمیت توجه به جمع و دوری از فرد گرایی و تک محوری و توجه به آداب و سنن صحیح و عبرت آموز و تأمل و تدبیر در آن، آموزه دین اسلام می‌باشد که عقل سالم را بارور می‌کند. و همچنین در سنت پیامبر (ص) و

ائمه هدی(ع) نمونه‌های بارز صلح، قهر، سکوت، فریاد، جنگ و... را می‌یابیم که همه آن برای اتحاد بین مسلمانان و انسجام هر چه بیشتر آنان بوده است. به عبارتی: صلح امام حسن(ع) برای حفظ دین و انسجام مسلمانان همان مقدار قابل اهمیت است که قیام حضرت ابا عبدا... (ع) دارای اهمیت است و...

اینکه محورهای مختلف در سیره معصومین (ع) را کجا به موقع استفاده کنیم، نیازمند شناخت، درک شرائط زمان و مکان و ظرافت‌های لازم است. که خدای ناکرده در ارتباطاتمان به جای جنگ صلح نکنیم و به جای فریاد، سکوت، و...

این نوشتار بر آن است تا با ارائه اصول و کلیاتی در این زمینه، مسیر شناخت را هموارتر کند که در بخش آینده به واکاوی این اصول در کلام وحی و سیره معصومین (ع) خواهیم پرداخت:

ج: مبانی اتحاد و انسجام از منظر قرآن و اهل البیت(ع):

با توجه به تعریفی که در آخر مبحث «الف» آوردم با ارائه عباراتی از قرآن و اهل البیت(ع) در صدد ارائه چارچوب این بحث هستیم.

۱- صفات یاران پیامبر(ص):

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم (۱۰) صفاتی را برای یاران پیامبر (ص) بر می‌شمارد که توجه به آن و سعی در ملکه کردن و مداومت بر بقاء آن باعث می‌شود تا متخلق به اخلاقی شویم که مسیر هدایت و وحدت را برای ما هموارتر کند.

که از جمله آنها عبارتند از:

۱-۱ شدت و سختگیری بر کفار. به این معنی که از آنها تأثیر منفی نگرفته و همواره با کسانی که به هر شکلی می‌خواهند آنها را به تراج ببرند کنار نیایند.

۲-۱ مهربانی، کمک و ایثار نسبت به برادران دینی خود.

۳-۱ عبادت آگاهانه و عاشقانه از خصائص این افراد خواهد بود. اینان به دنبال عبادت کورکورانه و یا ریاکارانه نیستند. زیرا عبادتی که منشأ آن یکی از این دو باشد، نمی‌تواند اثر وضعی بر روح و روان و سیمای این مؤمنین بگذارد.

۲- نزاع نکنید:

خداوند تبارک و تعالی در آیه دیگری از ریاقرآن بی بدیل می‌فرماید: «از خدا و فرستاده اش پیروی کنید و جنگ نکنید، زیرا سست می‌شوید و شکوه و جلالت شما از بین می‌رود». (۱۱)
در این آیه چند نکته حائز اهمیت است:

۱-۲ برای اینکه تفرقه به وجود نیاید، وجود و حضور قانون و رهبر لازم است. یک قانون کامل و جامع باعث می‌شود تا اختلافات و درگیری‌ها به حد اقل برسد و بعد از آن وجود یک رهبر و فرمانده باعث می‌شود تا نواقص و ضعفهای قانون موجب بروز اختلاف نشود.

۲-۲ در مسیر وحدت به صبر و شکیبایی نیاز است. زیرا گاهی موضوعی خلاف میل است و باید برای آنکه نظم و کثرت مسلمانان به هم نخورد از خواسته شخصی و یا حزبی عدول کنیم و مسئله را تا زمانی که طرح آن به وحدت ضرر نزنند به تعویق بیندازیم.

۳-۲ در مسیر وحدت و تعویق خواسته به زمانی دیگر، ایثار نیاز است. و یکی از مظاهر جهاد اکبر مبارزه با نفس است، حتی جایی که انسان بر حق باشد. مثل مصادیق مختلفی که برای حضرت علی (ع) پیش آمد، و حضرت (ع) «استخوان در گلو و خار در چشم» همه آن شرایط را تحمل کرد.

۴-۲ اختلاف و درگیری باعث کاهش راندمان کاری می‌شود. وقتی توجه مصروف موضوعات نزاع حزبی و یا فردی شد از توجه به مسائل عام المنفعه کاسته می‌شود. و همچنین وقتی توجه به امور حسبی و احساسی شد، انسان از توجه به امور کارشناسی و اقدامات پژوهشی باز می‌ماند که هر دو باعث کاهش راندمان کار و استفاده بهینه از منابع مختلف می‌شود.

۵-۲ این آیه اشاره به نزاع و درگیری‌های لفظی میان گروهی دارد. یعنی اگر مسلمانان برای موضوعات پیش پا افتاده با هم درگیر شوند، هم از مکر و توطئه دشمن غافل می‌شوند و هم توان اجرایی و فکری آنان کم می‌شود. در نتیجه دشمن طمع می‌کند.

گاهی اوقات بر اثر بی تدبیری، نزاع لفظی و درگیری صورت می‌گیرد و یا اقداماتی اتفاق می‌افتد که ضربه آن از حمله دشمن بدتر خواهد بود. لذا طمع و هجوم دشمن نتیجه رفتار ماست. و «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها خودشان سرنوشتشان را تغییر دهند». (۱۲)

۶-۲ این آیه اشاره به جدل و نزاعهایی دارد که در آن منفعتی نیست. اما بیان دیدگاهها با توجه به ضرورت و اقامه دلیل و همراه با انصاف نه تنها به زیان جامعه نیست بلکه مطلوب و باعث روشن شدن نقاط ضعف و چاره‌اندیشی برای آن خواهد بود. با توجه به این سه اصل دولتمردان، اهل قلم، متخصصان و... وظیفه شرعی و ملی دارند تا در قبال اقداماتی که با استنادات علمی در مخالفت است نه تنها سکوت کرده بلکه فریاد بر آورند

و ضمن موشکافی ضعفها به راهکارهای عملی توجه کرده و با نقدهای منصفانه راه را برای توسعه و شکوفایی باز کنند.

به عقیده نگارنده وقت آن رسیده است تا پس از ۲۰ سال از عمر پر برکت انقلاب اسلامی با نقدهای عالمانه، منصفانه و طبقه بندی شده (از حیث استفاده برای امور مختلف) نقاط ضعف را شناسایی و برای آن تدبیر کنیم و نقاط مثبت را تقویت و مسیر روبه رشد جامعه اسلامی مان را هموارتر و سریعتر کنیم.

پس نزاعها و مناظراتی که بر پایه انصاف و استدلال باشد نه تنها ضرری ندارد بلکه دارای منافع بی شماری خواهد بود:

۳- عبرت از سرنوشت دیگر امتها:

امام علی (ع) می فرماید: «از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت‌های پیش از شما آمد، پرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید... اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید، همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان کرد... و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید...».

(۱۳)

در این خطبه حضرت امیر(ع) به موضوعات مختلفی از جمله: علو شأن خداوند، نکوهش صفت تکبر، دشمنی شیطان، نکوهش اخلاق جاهلی، پرهیز از سران متکبر و خود پسند، ضرورت عبرت از گذشتگان، فلسفه عبادت، علل پیروزی و شکست ملت‌ها و... سخن فرموده است. که در یک فراز آن به علل پیروزی و شکست ملت‌ها اشاره فرموده است. که عمده ترین آن علل را تفرقه، کینه توزی، دشمنی و یاری نکردن همدیگر می‌داند. که اگر در جامعه‌ای این خصوصیتها اتفاق بیفتد، شکست آن جامعه حتمی است و هیچکس را جز خود نباید ملامت کرد.

در واقع باید علت سقوط دول و ملل مختلف دنیا را در یافت و برای آنکه برای خودمان این اتفاق حاصل نشود تمهیدات لازم با واقع بینی و تدبیر لحاظ شود.

۴- پرهیز از تعصب:

پیامبر عظیم الشأن اسلام فرمودند: «کسی که تعصب بورزد یا نسبت به وی تعصب بورزند، حلقه ایمان را از گردن خویش باز کرده است».(۱۴)

این روایت حاوی نکات بسیاری است که تقدیم حضور می‌کنم:

۱-۴- تعصب یعنی اصرار و پافشاری بدون دلیل و استدلال برای انجام یا ترک موضوعی که منشأ آن جهل و نادانی است.

۲-۴- کسی که متعصب است و به عقل و استدلال توجه نمی‌کند در واقع ایمان ندارد. زیرا ایمان ریشه در عقلانیت و آگاهی دارد. مسلمان تا زمانی که در دایره تعصب و جهل گرفتار است مزه و حقیقت ایمان را نخواهد چشید.

تعصب گاهی در امور دینی است و گاهی در امور اجرایی و کاری. مسلمان و مؤمن مکلف به حرکت و تلاشی است که ریشه در عقلانیت و تدبیر دارد و از همه راه‌های رسیدن به علم و پژوهش استفاده می‌کند و بدون پشتوانه علمی حرکتی را آغاز نمی‌کند.

۳-۴- تعصب؛ آغاز تفرقه و پایان همدلی و اتحاد است. اگر به حرف و استدلال اهل نظر توجه نشود و در تصمیم‌گیری‌ها از آنان و فکرشان استفاده نشود، قطعاً وحدت و همدلی حاصل نخواهد شد و این ضایعه بزرگی خواهد بود.

۴-۴- ما مکلف هستیم نه خودمان متعصب باشیم و نه اجازه بدهیم دیگران به ما تعصب داشته باشند. به عبارتی: نباید بگذاریم از ما بت بسازند. خواه یک فرد سیاسی باشیم، یا مذهبی یا هر صنف و شغل دیگر.

تعریف و تمجیدهای غلط باعث می‌شود که از ما بت ساخته شود و شاید کم کم هم باورمان بشود که: «من آنم که رستم بود پهلوان»!

در تاریخ افرادی که به وسیله اطرافیان منحرف شدند کم نیستند. اگر آنانی که ادعای مهدویت کردند، افراد جاهل تر از خودشان آنان را تصدیق نمی‌کردند، به گمراهی‌های بزرگ نمی‌افتادند. و...

پس تعصب یعنی اصرار بر جهل و عدم توجه به منطق و استدلال. که مایه سقوط فرد و جامعه خواهد بود. خواه این تعصب مذهبی باشد یا قومی، سیاسی، حزبی و...

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «هیچ کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب بورزد، جز با دلیلی که با آن نا آگاهان را بفریبید... جز شما! زیرا درباره چیزی تعصب می‌ورزید که نه علتی دارد و نه سببی... پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده... تعصب داشته باشید...». (۱۵)

در این روایت چند نکته حائز اهمیت است:

یک: عده‌ای خود را به تعصب می‌زنند تا بتوانند آدم‌های جاهل و نادان را بفریبند و از این طریق افکار شیطانی خود را عملی کنند.

دو: عده‌ای بی دلیل متعصب اند. که اینان بی هدف، بلکه بازیچه دیگران قرار می‌گیرند. اما امید نجات دارند، زیرا بر تعصب خود آگاه نیستند و قصد انحراف دیگران را هم ندارند.

سه: تعصب در امور خیر و اخلاق پسندیده، خوب و جایز است. در واقع همان مطلبی که به عنوان عرق دینی و ملی از آن یاد می‌کنیم.

بنابراین؛ تعصب در نوع سوم به معنی غیرت است که پسندیده و شایسته است و همراه با شعور و آگاهی است.

۵- پرهیز از کشمکش:

وجود نازین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «پس از نهی شدن از بت پرستی، از چیزی به اندازه کشمکش کردن با مردم نهی نشدم». (۱۶)

«ملاحظه» (کلمه موجود در این روایت که به معنی کشمکش است) مصدر ناقص یایی در باب مفاعله است. غالب استعمال این باب برای انجام کار بین دو نفر است. «لحي» (فعل ثلاثي مجرد این باب) به معنی: «پوست درخت را کند» (۱۷) می‌باشد. اما اگر گفته شود: «لحي فلانا» یعنی: «فلانی را سرزنش و ملامت کرد و به او دشنام داد و از او عیب و ایراد گرفت»

«کشمکش» در لغت فارسی مرکب از دو کلمه «گش» (امر) و «مکش» (نهی) می‌باشد که کنایه از: گفتگو، جر و بحث و جنگ و نزاع می‌باشد». (۱۸)

از آنجایی که این فعل کاربرد دو طرفه دارد، وقتی یک طرف ماجرا شروع به ملامت، دشنام و کشمکش می‌کند، طرف مقابل هم کوتاه نمی‌آید و مقابله به مثل می‌کند. در واقع کشمکش باعث می‌شود لباس حیاء و ادب کنده شود، همانگونه که پوست درخت کنده می‌شود. و وقتی پوست درخت کنده می‌شود، به شکل قابل ملاحظه‌ای کنده شد، قطعاً ادامه حیات این درخت در جذب مواد اولیه از خاک و تبدیل آن به میوه با مشکل مواجه می‌شود. و چه بسا درخت نیز خشکیده شود. و آن هنگام که حرمت و حیاء بین مؤمنین از بین رفت دیگرارزش و منزلتی برای آنان باقی نمی‌ماند.

«آن که نام تو مسلمان کرده است - از دویی سویی یکی آورده است

خویشتن را تُرک و افغان خوانده‌ای - وای بر تو! آنچه بودی، مانده‌ای» (اقبال لاهوری)

مؤمنان وظیفه دارند تا حتی اشکالات و اختلافات خود را در یک فضای صمیمی و به دور از بی نزاکتی و بی ادبی و با استدلال با یکدیگر مطرح کنند.

البته کشمکش در جایی دیگر هم اتفاق می‌افتد و آن در موضعی است که طرف مقابل زبان مشترک برای درک و فهم ندارد. لذا در آن شرایط نیز هرگونه بحث و استدلالی بی نتیجه خواهد بود و ادامه دادن آن باعث ملال خاطر، کشمکش و جدال خواهد شد.

به نظر می‌رسد عمده جریان‌هایی که به کشمکش تبدیل می‌شود از نوعی لجابت و غرض برخوردار است که هدفش خرد کردن طرف مقابل است. گاهی جهل، هوای نفس و مقدس مآبی هم چاشنی آن می‌شود.

۶- نقش وحدت بین خواص:

امام علی (ع): «... افامرهم الله بالاختلاف فاطاعوه! ام نهاهم عنه فعصوه...». (۱۹)

خطبه ۱۸ نهج البلاغه گوشه‌ای از استدلال امیرالمؤمنین (ع) در خصوص کسانی است که به نام دین برای خودشان وجهه‌ای کسب کرده‌اند و برای منافع خود تا جایی پیش رفته‌اند که حتی حلال خدا را نیز حرام کردند...

در این خطبه روی سخن به آدم‌های معمولی و کوچه و بازار نیست. بلکه به همه آنانی است که مردم آنها را بعنوان نمایندگان دین می‌شناسند. اختلاف و بی‌تقوایی در میان خواص اهل دین صدمات و لطمات جبران ناپذیری را وارد می‌کند. کما اینکه از صدر اسلام تا کنون بیشترین ضربه را همین افراد منافق، خواص دنیا طلب و متنسکان جاهل زده‌اند. و هر کدام دارای خطراتی است که باید از کید آن در امان بود. خواص دنیا طلب در «لحظه لازم» به دلیل وابستگی به ثروت، قدرت، شهرت و... سکوت می‌کنند و حتی ممکن است کارش به جایی برسد که چون شریح قاضی حکم قتل حسین (ع) را هم امضاء کند.

کسانی که غائله «سقیفه» را به وجود آوردند، مردمان معمولی نبودند. و همچنین جنگ جمل، نهروان، صفین و...

اگر چه روی خطاب در این خطبه به خواص منحرف زمان حضرت امیر (ع) است اما نحوه استدلال منحصر به زمان خاص نیست و می‌تواند همه ازمنه را در بر گیرد. زیرا حضرت به: وحدت اله، پیامبر و کتاب واحد اشاره می‌کند و آن را مایه وحدت می‌داند. و نیز اشاره می‌کند که دین خاتم دین ناقصی نیست و به این شکل، عقل و خرد را در درک و فهم دین وارد می‌سازد که هر گاه شما به شکل استدلالی به نقص دین رسیدید آن وقت اختلاف کنید. (که هرگز نخواهید رسید)

موضوعات بسیار دیگری در این خطبه (اگر چه خطبه کوتاهی است) نهفته است که به مجال دیگر برای شرح و تفسیر نیازمند است.

۷- ملاک وحدت برای خواص:

بعد از پذیرش «حکمیت» در صفین، «اشعث بن قیس» (که همیشه روحیه اعتراض داشت) به حضرت عرض کرد: «ما را از حکمیت نهی فرمودی، سپس پذیرفتی و داور تعیین کردی! ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو کار درست است؟»

امام (ع) دو کف افسوس را بر هم زد و فرمایشی را ایراد فرمود که در فرازی از آن آمده است: «این القوم الذین دعوا الي الاسلام...» (۲۱)

همانگونه که استحضار دارید؛ علت مشکلات عدیده و آزار و اذیت امیر مؤمنان (ع) در جنگ صفین سه گونه از خواص بود:

اول: خواص اهل حق منافق که سر دسته آنان معاویه و عمرو بن عاص بود.

دوم: خواص اهل حق مقدس مآب که نمونه آن ابو موسی اشعری بود.

سوم: خواص اهل حق جاهل کژ اندیش که نمونه آن اشعث بن قیس بود.

در واقع این سه جریان باعث به بن بست رسیدن صفین و سالم ماندن معاویه و تضعیف قدرت و اقتدار حضرت امیر (ع) شد.

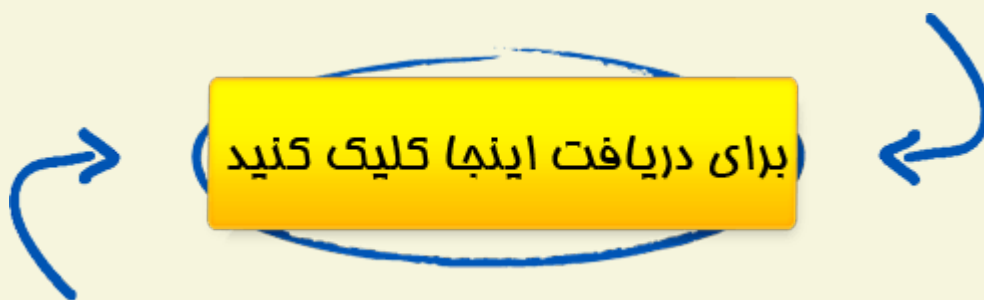
اما آنچه مهم است این است که امام علی (ع) ضمن دل تنگی برای یاران قدیمی خود صفات برجسته آنان را بر می‌شمارد که اگر آن صفات در مؤمنین باشد هیچگاه شبیه سه دسته فوق الذکر نخواهد شد.

* «آنهایی که به اسلام دعوت شدند و پذیرفتند» معلوم می‌شود که مسلمانانی وجود دارند ولی هنوز اسلام را باور نداشته و آن را نپذیرفته‌اند.

* «قرآن تلاوت کردند و معانی آنرا شناختند» این جمله می‌رساند که علاوه بر انس به قرآن، فهم در معانی و شناخت قرآن لازم است که بدون این فهم آدمی بسان «الاعی خواهد بود که بار آن کتاب است»
* «به سوی جهاد برانگیخته شده و... شیفته جهاد گردیدند». آنان اهل جهاد و عاشق آن بودند. یعنی اهل جان فشانی و ایثار. برای یاری دین خدا فقط از زبان و مال استفاده نکردند، بلکه از بالاترین چیز خود (جان) هم مایه گذاشتند.

* «در مرگ شهیدان به تسلیت نیاز نداشتند. با گریه‌های طولانی از ترس خدا، چشم هایشان ناراحت. از روزه داری فراوان، شکم هایشان لاغر... لب هایشان از فراوانی دعا خشک و رنگ صورتشان از شب زنده داری زرد...»

آری خواص برای آنکه بینشان تفرقه به وجود نیاید و در «لحظه لازم حرکت لازم» را انجام دهند می‌بایست با این چهار فراز اخیر انس بگیرند.



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله ماشینهای همزمانی](#)
- [دانلود مقاله اوقات فراغت](#)
- [دانلود مقاله ماشینهای جوشکاری جریان مستقیم](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیپر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)